

مدیریت دارایی- بدهی



1- مدیریت دارایی-بدهی چیست؟

تا پیش از دهه ۱۹۷۰ مدیریت منابع و مصارف بانک‌های تجاری بر گسترش ترازنامه بانک متمرکز بودند. مدیریت دارایی-بدهی به دنبال افزایش نوسان پذیری نرخ‌های سود و اثر این نوسانات بر عدم تطابق بین دارایی‌ها و بدهی‌ها مطرح شد. از دیرباز، بانک‌های تجاری با گردآوری منابع کوتاه مدت عمدتاً از طریق سپرده‌ها، به تامین مالی بلند مدت پروژه‌ها و شرکت‌ها می‌پرداخته‌اند. مدیریت دارایی-بدهی بر گسترش ترازنامه تعدیل شده با ریسک تاکید دارد. ریسک نرخ سود و ریسک نقدینگی ریسک‌هایی هستند که به طور سنتی مدیریت دارایی-بدهی با آن سروکار دارد. نمودار زیر جنبه‌های مدیریت دارایی-بدهی را نمایش می‌دهد.

ریسک نرخ سود را می‌توان به صورت ضرر محتمل ناشی از تغییرات نامساعد در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ سود در نتیجه تغییر در نرخ سود تعریف نمود. به عبارت دیگر، ریسک نرخ سود میزان خطر تغییر ارزش دارایی‌ها یا بدهی‌ها (یا خالص آنها یعنی ارزش حقوق صاحبان سهام) ناشی از تغییر سطح مطلق نرخ‌های سود، حاشیه (اسپرید) بین دو نرخ (تنزیل جریان وجوه آتی دارایی‌ها و بدهی‌ها)، شکل منحنی بازده یا هر رابطه دیگر مربوط به نرخ سود را نشان می‌دهد. تغییرات نرخ سود عموماً با ارزش دارایی رابطه معکوس دارد. جریان وجوه ناشی از دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ سود، جریان‌های وجوهی هستند که مبلغ قراردادی آنها به لحاظ ریالی ثابت و از قبل تعیین شده می‌باشد.

اصطلاح نقدینگی به توانایی بانک برای رفع نیاز به منابع نقد اشاره دارد. چنانچه نقدینگی را بصورت توانایی بانک در تامین منابع نقد جهت پرداخت بدهی‌ها، ایفای تعهدات و افزایش دارایی‌ها تعریف کنیم، به خطر افتادن این توانایی را می‌توان به عنوان ریسک نقدینگی در نظر گرفت. مدیریت نقدینگی فرآیندیست جهت تضمین این که بانک وجه و دارایی‌های نقد کافی نگهداری می‌نماید تا اولاً بدهی‌ها و تعهداتش را به مشتریان ایفا نماید، ثانیاً مخارجش را پرداخت کند و ثالثاً فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری را از دست ندهد.

به طور کلی ریسک نقدینگی در بانک‌ها به دو بخش ریسک تامین مالی و ریسک نقدشوندگی دارایی‌ها در بازار قابل تفکیک می‌باشد. در واقع ریسک تامین مالی به میزان سهولت دستیابی بانک به منابع تامین مالی جهت ایفای تعهدات و پرداخت بدهی‌ها یا خرید دارایی‌ها اشاره دارد، حال آن که ریسک نقدشوندگی دارایی‌ها به میزان نقدشوندگی دارایی‌ها در بازار مربوط است.

به هر حال کمبود نقدینگی هر چند اندک، در صورتی که تامین نشود می‌تواند زبان‌های جبران ناپذیری خصوصاً به شهرت بانک وارد آورد. مدت مدیدی طول می‌کشد تا روابط بانک با مشتریانش تحکیم شود و یک بحران نقدینگی به راحتی و در یک لحظه این روابط را تخریب می‌کند. به دلیل اهمیت بالای مدیریت نقدینگی در مدیریت دارایی-بدهی، در ادامه به تشریح مدیریت ریسک نقدینگی می‌پردازیم.



2- مدیریت ریسک نقدینگی

یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مدیریت دارایی-بدهی به ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۷، مدیریت ریسک نقدینگی در موسسات مالی و پولی می‌باشد. ریسک نقدینگی خود را به صورت هزینه فرصت ننگه داری وجوه نقد و شبه نقد در مقابل هزینه‌های ناشی از عدم پاسخگویی نقدینگی در مواقع لازم، نشان می‌دهد؛ یعنی اگر تمام دارایی‌های بانک به صورت نقد ننگه داری شود هزینه فرصت سرمایه‌گذاری (به اشکال مختلف) آن را از دست می‌دهد و در تضاد با ماهیت سودآوری بانک می‌باشد. اگر هم که بانک بدون توجه به نیازهای نقدینگی خود، تمام دارایی‌های خود را به صورت سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت (اعم از تسهیلات، سهام، دارایی ثابت و...) ننگه داری کند، با وجود سودآوری محتملاً بیشتر با هزینه تامین نقدینگی در مواقع لازم رو به رو می‌شود که خود این موضوع می‌تواند موجب کاهش شدید سود و حتی افزایش ریسک شهرت بانک گردد.

وظیفه مدیریت ریسک نقدینگی ایجاد تعادل بین هزینه فرصت و هزینه تامین نقدینگی است. این مهم سازوکارها، روش‌ها و فرایندهای مخصوص به خود را دارد که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.



1-2- پیش‌بینی جریان‌ات نقدی ورودی و خروجی

اولین عنصر در مدیریت ریسک نقدینگی (به تعریف ریسک نقدینگی باید دقت نمود؛ ریسک نقدینگی همان هزینه فرصت ننگه داری وجوه نقد و هزینه تامین نقدینگی در مواقع لازم و ریسک شهرت می‌باشد)، پیش‌بینی دقیق نیازهای نقدینگی است. نیازهای نقدینگی عموماً به صورت ایفای تعهدات سپرده‌ای (بازپرداخت) در سمت بدهی‌ها و تبدیل ارقام پایین خط مربوط به تعهدات اعتبار اسنادی و ضمانت نامه به مطالبات دیده می‌شود (هرچند که نیاز به نقدینگی جهت تامین مالی مشتریان -ایجاد دارایی تسهیلات- یکی دیگر از وجوه نیاز نقدینگی می‌باشد).

این امر با استفاده از پیش‌بینی جریان‌ات ورودی و خروجی نقد میسر می‌شود. یعنی مدیریت بانک با استفاده از روش‌های گوناگون (و عمدتاً سری زمانی) به مدلسازی رفتار دو جریان ورودی و خروجی در دو طرف ترازنامه می‌پردازد. با مدل شدن هر دو جریان ورودی و خروجی در دو طرف دارایی‌ها و بدهی‌ها، مدل رفتاری خالص جریان نقدی به دست می‌آید (این خالص سازی ابتدا در هر دو طرف ترازنامه صورت می‌گیرد و پس از آن خالص جریان نقدی حاصل از دارایی‌ها و بدهی‌ها را بدست می‌آوریم). عموماً هر پیش‌بینی ای با خطاهایی همراه است. این خطاها می‌توانند خطاهای حاصل از مدلسازی باشند یا خطاهای حاصل از تغییرات محیطی یا تغییرات مدیریتی و ... به هر ترتیب، بانک جهت مقابله با این خطاها همواره باید دارای یک نقدینگی احتیاطی باشد که از آن با عنوان سپر نقدینگی یاد می‌شود. در ادامه به بیان سپر نقدینگی می‌پردازیم.



2-2- سپر نقدینگی

همچنان که گذشت، هر پیش‌بینی (علمی ای) دارای خطا می‌باشد؛ خواه این خطا ماحصل مدلسازی باشد و یا حاصل تغییرات شرایط محیطی (بین المللی، اقتصاد ملی، پولی و مالی، مدیریت داخلی و ...). به لحاظ نظری، سپر نقدینگی را می‌توان عبارت از دارایی‌هایی دانست که بانک مطمئن است در شرایط لازم (عدم همخوانی نیاز نقدینگی با آنچه که پیش‌بینی

شده است) می‌تواند بفروشد یا توثیق نماید. در عمل، این سپر عمدتاً شامل وجوه نقد و سایر دارایی‌های آزاد دارای نقدشوندگی بالا می‌باشد. ابعاد سپر نقدینگی باید به اندازه ای باشد که بانک بتواند طی دوره لازم بدون تغییر برنامه تجهیز و تخصیص منابع خود که سرسیدها را متاثر می‌سازد نیازهای نقدینگی را مدیریت نماید. عموماً برای محاسبه سپر نقدینگی از خطای ۹۹ درصد یا ۹۵ درصد پیش بینی‌ها استفاده می‌شود. با محاسبه کمیت سپر نقدینگی، کمیته مدیریت دارایی-بدهی وظیفه تعیین کیفیت آن را بر عهده دارد. تعیین ترکیب سپر نقدینگی از جمله وظایف کمیته مدیریت دارایی-بدهی می‌باشد. اما در شرایط خاص ممکن است بانک (و یا کل سیستم بانکی) با شرایطی مواجه گردد که سپر نقدینگی توان پاسخ به نیازهای پیش بینی نشده را نداشته باشد. در این مواقع بانک باید دارای یک برنامه احتیاطی مدون و سازمان یافته در جهت مدیریت بحران باشد. در ادامه به تشریح برنامه احتیاطی می‌پردازیم.



3-2- برنامه احتیاطی

بانک‌ها باید برنامه احتیاطی برای مقابله با بحران نقدینگی حاصل از وقوع تنش‌های نقدینگی داشته باشند. هر برنامه احتیاطی دارای ۴ جنبه سیاست‌گذاری، استراتژی‌ها، اختیارات و مسئولیت‌ها می‌باشد تا بتواند در مواقع ضروری به نحو مناسبی به مدیریت بحران بپردازد. مهم‌ترین ملزومات هر برنامه احتیاطی دسترسی به داده‌ها و اطلاعات قابل اتکایی از وضعیت نقدینگی بانک و سایر بانک‌ها به طور همزمان می‌باشد.

برنامه احتیاطی دارای دو جنبه می‌باشد: یکی دقت در اقلام دارایی‌ها و دیگری کنترل نقدینگی. بانک باید طرح دقیقی از دارایی‌های خود و نحوه واکنش آنها به بروز بحران داشته باشد. در سمت بدهی‌ها، بانک باید میزان تمرکز بدهی‌ها و میزان احتمال بحران‌سازی آنها را بشناسد. به عبارت دیگر، برنامه احتیاطی باید شدت و احتمال بروز بحران حاصل از دارایی‌ها را پایش کند. علاوه بر این، برنامه احتیاطی باید سناریوهای لازم را در هنگام بروز بحران، از پیش دیده باشد. به ویژه تغییر رفتارهای مشتریان بانک در هر دو طرف ترازنامه و نیز تغییرات بازار بانکی.

در سمت بدهی‌ها (عمدتاً منظور سپرده‌های کلان می‌باشد) از جهت بحران‌سازی، سپرده‌ها را به طور ضمنی می‌توان به سپرده‌های مستعد بحران‌سازی و مستعد تاثیر از بحران تقسیم نمود. یعنی سپرده‌هایی که تغییرات عظیم و ناگهانی آنها موجب ایجاد بحران در بانک (و حتی شبکه بانکی) شوند و نیز سپرده‌های کلانی که به بروز بحران بسیار حساس هستند و خروج آنها خود می‌تواند موجب وخامت اوضاع گردد.

وظیفه برنامه احتیاطی داشتن یک طرح دقیق با سناریوهای مختلف از بحران نقدینگی است. هر برنامه احتیاطی باید با تقسیم‌بندی انواع دارایی‌ها متناسب با نوع رفتار آنها (در ایجاد جریان‌های ورودی و خروجی)، دیدی کامل به رفتار دارایی‌های بانک طی افق‌های زمانی مناسب (از چند روز تا چند سال) داشته باشد.

در نمودار ذیل جایگاه هر یک از مباحث بالا در مدیریت ریسک نقدینگی مشخص شده است. تمامی موارد مذکور تنها با وجود یک ساختار و سازمان منسجم و منظم با تعیین مسئولیت‌ها و اختیارات می‌تواند منجر به موفقیت بانک در مدیریت ریسک نقدینگی گردد. در بخش ☐ بعدی به بیان ساختار و سازمان مدیریت دارایی-بدهی می‌پردازیم.

3- ساختار و سازمان مدیریت دارایی-بدهی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مدیریت دارایی-بدهی در بانک، مشخص نمودن اختیارات و مسئولیت‌هاست. این اختیارات و مسئولیت‌ها متناسب با تخصص و توانمندی‌های هر یک از بخش‌های بانک می‌باشد. در کشورهای مختلف، بانک‌ها دارای ساختارها و سازمان‌های متفاوتی برای مدیریت دارایی و بدهی می‌باشند. برخی با ایجاد دایره یا معاونت مدیریت ریسک زیر نظر اداره حسابداری، برخی با دایره نمودن اداره مستقل مدیریت ریسک زیر نظر مدیر عامل (یا معاونین یا مشاورین وی) و برخی دیگر با ایجاد دایره مدیریت ریسک در اداره خزانه داری به این امر مبادرت نموده‌اند. تجربه جهانی نشان داده است وجود اداره مدیریت ریسک مستقل زیر نظر مدیر عامل دارای خروجی بهتری هم از جهت گستردگی تاثیر و هم سرعت عمل بالای آن اداره داشته است.



4- فرایند مدیریت دارایی-بدهی

هر ساختار و سازمانی بدون تدوین و تصریح فرایندهای مربوط به مسئولیت‌ها و اختیارات محکوم به شکست است. این ویژگی در امر مدیریت دارایی-بدهی که هدف آن بهینه‌یابی بین سود و ریسک می‌باشد، به طور اولی بروز می‌نماید. فرایند، تبیین‌کننده تقدم زمانی هر یک از مسئولیت‌ها و اختیارات است. نحوه بازخوردگیری از تصمیمات، سیاست‌ها و استراتژی‌ها را مشخص می‌کند. همان‌گونه که بیان شد اساس کار مدیریت دارایی-بدهی مبتنی بر دید کاملی به (تغییرات) دو طرف ترازنامه می‌باشد. بنابراین، شروع کار مدیریت دارایی-بدهی از پایگاه داده شروع می‌گردد که در فرمتی خاص (که توسط مدیریت ریسک تدوین و توسط کمیته مربوطه تصمیم‌گیری می‌شود) تبدیل به اطلاعات می‌گردد. این اطلاعات با ورود به مدیریت ریسک تبدیل به شاخص‌ها، گزارش‌ها و پیشنهادهای می‌شود و با ورود به کمیته تصمیم‌گیر، تبدیل به دستورالعمل‌هایی اجرایی برای واحدهای کسب و کار می‌شوند. عملکرد و بازخورد این واحدها در پایگاه داده ثبت می‌گردد و مجدداً فرایند مذکور تکرار می‌شود. نمودار زیر فرایند مدیریت دارایی-بدهی را با توجه به ساختار و سازمان مربوطه در بانک نمایش می‌دهد.

نویسنده: علی اکبری باوفا گلپایان - کارشناس اداره مدیریت ریسک